

یک نوع از کتب مرجع که راهنمای پژوهندگان برای شناخت احوال دانشمندان در هر دانش و فن است کتب تذکره است.

نوشتن کتاب تذکره از سده‌های پیش در کشور ما مرسوم بوده است و می‌توان گفت «تذکره» ادامهٔ تألیف کتاب‌های انساب و رجال و به صورت مشروح‌تر آن، بالخصوص در مورد شاعران بوده است.

برای اطلاع جوانان باید این توضیح را متذکر شد که کتب انساب و رجال، کتاب‌هایی است که شرح احوال اشخاص مشهور (در هر دانش و علم) را به ترتیب الفبایی در کتابی (که ممکن است به چندین جلد بالغ شود) گرد می‌آورند تا محققان بتوانند در مطالعات و تحقیقات خود بدینگونه کتب که از کتب درجهٔ نخست مرجع به شمار می‌آید مراجعه کنند، با نام کسانی که در علوم مختلف صاحب‌نظر بوده‌اند آشنا شوند و یا اطلاعشان دربارهٔ نام‌هایی که آشنا نیستند اما از شرح احوال و زمان زندگی و آثار آنان اطلاع کامل و دقیق ندارند افزوده شود و بتوانند در تحقیقات و نوشته‌های خود بدان کتب استناد جویند.

نوشتن کتاب‌های شرح احوال، سابقه‌ی کهن دارد و به سده‌های نخستین هجری باز می‌گردد، دانشمندان ایرانی و عرب، به نگاشتن کتب اعلام و انساب، همت گماشته‌اند که به عنوان نمونه می‌توان از اعلام زرکلی (ده جلد) و وفیات الاعیان ابن خلکان (۱۲ جلد) و شدالازار به زبان عربی و نامهٔ دانشوران ناصری (۹ جلد) و ریحانة الادب (۹ جلد) و راهنمای دانشوران (۳ جلد) به فارسی نام برد.

نوشتن این کتابها، در شرح حال و نام و نسب و آثار بزرگان علم و ادب، در طول زمان گسترش یافت و با توجه به اینکه در هر سده‌ای، افراد زیادی به جمع

دانشمندان و اهل قلم افزوده می‌شد و تعدد دانشمندان در علوم مختلف موجب می‌شد که کتب اعلام به دهها جلد بالغ شود و یافتن نام‌های دانشمندان در یک رشته علمی دشوار شود، تهیه کتبی برای معرفی هر طبقه از دانشمندان به تفکیک آغاز شد که مقدم بر همهٔ آنها کتبی است که در شرح احوال شاعران تدوین گشت.

اینگونه کتابها که به نام «تذکره» و «کتب تراجم احوال» نامیده شده است مشتمل است بر شرح احوال شاعران یا نمونه‌ی از انواع اشعار آنان، تا کسانی که طالب آگاهی از احوال سرایندگانند بدین کتب مراجعه کنند و بر شرح احوال شاعر یا شاعران مورد نظر وقوف یابند و چون مراجعه به همهٔ دیوان‌ها و مجموعه‌های شعری برای همگان میسر نیست، نمونه‌هایی برگزیده از اشعار آنان را نیز ببینند و بخوانند.

سابقهٔ تألیف کتب تذکرهٔ شاعران، به ادوار و سده‌های پیشین باز می‌گردد و مؤلفان از قرن‌های گذشته بدین مهم پرداخته‌اند و تذکره‌هایی چون لباب الالباب عوفی که در قرن هفتم تألیف شده است شاهده‌ی بر توجه اهل ادب به گردآوری اینگونه مجموعه‌هاست و چه بسا تألیفاتی دیگر نیز در سده‌های پیشتر گردآمده که به عصر ما نرسیده است.

در ادوار بعد که تعداد شاعران فزونی می‌گیرد تهیهٔ تذکره‌ها نیز افزایش می‌یابد بطوری که تذکره‌های متعددی مانند: تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی، تذکرهٔ تحفهٔ سامی، تذکرهٔ نصرآبادی، هفت اقلیم امین احمدرازی، شعر العجم، تذکرهٔ روز روشن، تذکرهٔ مجمع الفصحاء، و تذکرهٔ آتشکده آذربایجان که مورد گفتگو است پدید می‌آید و شعری ادوار مختلف معرفی می‌شوند.

در این تذکره‌ها معمولاً شرح احوال هر شاعر، ابتدا به اختصار ذکر می‌شود و پس از آن نمونه‌هایی از اشعار او در پی می‌آید که برای مطالعه‌کننده، شناختی اجمالی حاصل می‌شود.

طرز تدوین تذکره‌ها همه یکسان نیست. تذکره‌های شاعران را به دو نوع کلی می‌توان تقسیم کرد:

دستهٔ نخست: تذکره‌های عمومی شاعران که همهٔ شاعران را به ترتیب تاریخی و دوران زندگی آنها معرفی می‌کنند و این روش در عصر حاضر با صورتی کامل‌تر در کتبی که به نام «تاریخ ادبیات» نامیده شده‌اند دیده می‌شود. که نمونهٔ کهن آن لباب الالباب و نمونهٔ عصر حاضر گنج سخن مرحوم دکتر صفا است.

دستهٔ دوم: تذکره‌هایی است که مربوط به یک زمان خاص یا یک شهر و اقلیم خاص است مانند آن که شرح احوال شعری یک سبک و دوره خاص مورد نظر مؤلف بوده باشد که از کتب ادوار پیشین مجالس النفاثات امیر علیشیرنوبی و از کتب زمان حاضر سخن و سخنوران بدیع‌الزمان فروزانفر از این جمله است.

باید متذکر بود که طرز تدوین تذکره‌ها نیز متفاوت است در تذکره‌های بزرگ که همهٔ شعرای فارسی‌گوی در آن به معرفی گذاشته می‌شوند نیز ممکن است تنظیم تذکره برحسب زمان و تاریخ زندگی شاعران نباشد، بدین معنا که مؤلف تذکره، بنای کار خود را بر توالی تاریخی قرار نداده باشد و بجای زمان، مکان را مبنای تدوین تاریخ شعرا قرار داده باشد که تذکرهٔ هفت اقلیم امین احمدرازی (مؤلف سده‌های دهم و یازدهم هجری) که شعرای هر اقلیم را جداگانه معرفی کرده است و همچنین تذکرهٔ آتشکده آذربایجان که شاعران هر استان و ایالت یا شهر را در یک فصل گردآورده از این نمونه تذکره‌هاست.

تقسیم‌بندی شاعران هر منطقه این خاصیت را دارد که سیر شعر و ادب را در هر یک از اقالیم و شهرها، جداگانه مورد نظر خواننده قرار می‌دهد و اهالی هر ایالت و منطقه را به سابقهٔ شعر و ادب دیار خویش و همچنین شاعران بزرگ و کوچک سرزمینشان آشنا تر می‌کند. اما نکته‌ی که در مورد تفاوت «تذکره‌ها» و «تاریخ

منوچهر دانش‌پژود

آتشکدهٔ آذر

ادبیات» مورد توجه قرار می‌گیرد آنست که در تذکرها معمولاً تحلیل شعر شاعران و توجه به حالات و کیفیات روزگار زندگی آنان و جو و محیطی که در آن پرورش یافته‌اند کمتر مورد نظر قرار می‌گیرد. در بعضی تذکرها و یا شرح حال بسیاری شاعران در تذکرها شاعر به طور فردی و جدای از اجتماع و به اصطلاح حال و هوای روزگار خویش مورد بررسی است در حالی که در «تاریخ ادبیات» چنین نیست و نام «تاریخ ادبیات» خود حکایت‌کننده از جریان تاریخی ادب یک کشور است که شاعران مانند قهرمانان یک داستان، ایفاگر نقش‌های این داستان درازمدت‌اند، اما تنها «داستان» مطرح نیست بل که سازنده داستان و قهرمان داستان که شاعر و گوینده است نقش عمده را به عهده دارد.

نوشتن «تاریخ ادبیات» درباره ادبیات فارسی از خاورشناس معروف «ادوارد براون» آغاز شد که تاریخ جامع ادبیات ایران را در چهار جلد مفصل نگاشت و تفاوت کار او با مؤلفان تذکرها این بود که علاوه بر معرفی شاعر و شعرا و بررسی دوران هر شاعر و عصر زندگی او و محیط پرورنده او را ارزشی خاص نهاد و این خصوصیت که در تذکرها اهمیتی خاص نداشت و اگر هم نویسنده و مؤلف تذکره بدان توجه داشت، تحت‌الشعاع مزیت‌های شعری شاعر قرار می‌گرفت در تاریخ ادبیات به صورت رکنی عمده مورد نظر واقع شد. این دوره کتاب توسط دو استاد دانشمند که به زبان انگلیسی نیز تسلط داشتند یعنی مرحومان استاد علی‌اصغر حکمت و استاد علی‌پاشا صالح به فارسی ترجمه شد و مآخذی عمده برای تحقیق و تتبع بیشتر در آثار و احوال شاعران گذشته قرار گرفت.

با تدوین کتب تحلیل و نقد در ادبیات به زبان فارسی توسط استادانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر و جلال‌الدین همایی که کتبی در نقد و تحلیل در تاریخ ادبیات نگاشتند، مرحله جدید نوشتن تاریخ ادبیات به شیوه تحلیلی آغاز شد و استاد دکتر صفا

به نگاشتن دوره کامل تاریخ ادبیات در ایران همت‌گماشت و در مدتی بیش از چهل سال، ده جلد آن را انتشار داد که متأسفانه با درگذشت وی، کار عظیمش ناتمام ماند.

نگاشتن «تاریخ ادبیات» که در واقع روش تکامل یافته تذکره‌نویسی است موجب نشد که رسم تذکره‌نگاری متوقف شود، زیرا در مواردی که فقط به شرح احوال یا نمونه اشعار نیاز است نه به جنبه‌های تحلیلی و تاریخی، «تذکره» همچون فرهنگ لغت و دایرة‌المعارف، موجب سهولت کار محققان است ازین رو کتبی به شیوه تذکره نیز تألیف یافت که نمونه‌های مشهورتر آن گنج سخن (تذکره شاعران) تألیف دکتر صفا و گنجینه سخن (تذکره نویسندگان) همین استاد و نیز هزار سال نثر پارسی تألیف کریم کشاورز است.

بنابراین می‌بینیم که پدید آمدن کتب تاریخ ادبیات موجب بی‌نیازی از کتب تذکره نیست و تذکرها‌های شاعران که در ادوار پیش تألیف شده نه فقط به عنوان یک متن کهن بلکه به عنوان کتاب مرجع، در زمان ما نیز مورد استفاده محققان در شعر و ادب فارسی است و بدین لحاظ تصحیح و تجدید طبع کتب تذکره پیشینیان که هم اکنون نیز مورد نیاز و مراجعه است ضروری است. کتاب «آتشکده آذر» که نیمه دوم آن اخیراً انتشار یافته است از جمله تذکرها‌های مشهور درباره شاعران فارسی زبان است که توسط شاعری توانا به نام لطفعلی بیگ آذربیکدلی (۱۱۳۴-۱۱۹۵ ه. ق) در اواخر دوران صفوی تألیف شده است.

این تذکره به شیوه‌ای مکانی و اقلیمی تدوین شده و مؤلف ابواب کتاب را برحسب شهرها و ایالات ایران تقسیم‌بندی کرده است و شاعران هر استان یا شهر را در یک فصل گردآورده و معرفی نموده است.

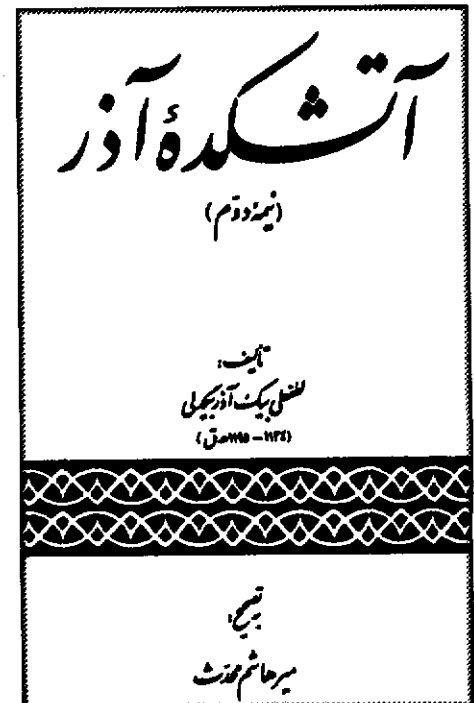
پیش از آذر بیگدلی، امین‌احمد رازی (متوفی به سال ۱۰۱۰ ه. ق) در قرن دهم هجری در تذکره مشهور خود موسوم به هفت اقلیم، شاعران را برحسب اقلیم

آنان در تذکره خود یاد کرده بود. این شیوه پیش از امین‌احمد رازی نیز معمول شده بود، یعنی بعضی مؤلفان کوشیده بودند که دانشمندان و شاعران دیار خود را در یک تألیف معرفی کنند، اما در قرون نخستین هجری چون تعداد شاعران، فراوان نبود تهیه تذکره برای هر شهری، تألیفی وزین نمی‌شد و کسانی که می‌خواستند نام و یاد بزرگان اقلیم و سرزمین خویش را زنده و جاودان بدارند به شرح احوال دانشمندان علم و ادب می‌پرداختند که از قدیمی‌ترین کتب از اینگونه، کتاب شدالازار تألیف معین‌الدین ابوالقاسم جنید شیرازی مؤلف به حدود ۲۹۱ ه. ق. است.^(۱)

در ادوار بعد و بخصوص در عصر حاضر تعداد کتبی که محققان در شهرهای مختلف ایران درباره شعرای شهر و دیار خود تدوین کرده‌اند به ده‌ها جلد بالغ شده و از شمار تذکرها‌های عمومی فراتر رفته است. هرچه بر عمر پرافتخار تاریخ کشور دانش دوست و دانش پرور ما افزوده شده طبعاً تعداد شاعران نیز فزونی گرفته است و در نتیجه در زمان حاضر که متجاوز از هزار سال از آغاز شعر و ادب فارسی دری می‌گذرد، کتب تذکره و کتب نقد و تحلیلی و مقالات مربوط به سخنوران آن چنان حجمی یافته که در یک دوره کتاب، گردآوردن آن غیر ممکن شده است. از اینرو کتب واسطه‌یی پدید آمد (نظیر فرهنگ سخنوران دکتر خیام پور) که توسط آنها بتوان به منابع مربوط به شاعران فارسی زبان آشنا شد و به تحقیق در آنها پرداخت.^(۲)

آذر بیگدلی در قرن ۱۲ هجری که تعداد شاعران مشهور فارسی زبان به حدود هزار تن نزدیک می‌شد در تذکره خود شاعران شهرهای مختلف را جدا کرد تا دسترسی اهل هر دیار و علاقه‌مندان بدانان به شرح احوال و اشعارشان به سهولت انجام گیرد.

در معرفی خود او نخست باید گفت که آذر بیگدلی از شاعران دوران صفوی است که تاریخ تولد او را با



آتشکده آذر

تصحیح میرهاشم محدث

امیر کبیر، ۱۳۷۸

تصحیح
میرهاشم محدث

اختلاف ده سال ۱۱۲۴ یا ۱۱۳۴ هجری قمری نوشته‌اند^(۳) و تاریخ درگذشت او به سال ۱۱۹۵ ه. ق. بوده است.

از آذر بیگدلی سه اثر به جای مانده است: نخست تذکره آتشکده که مشهورترین اثر اوست و دیگر دیوان اشعار او و سوم مثنوی یوسف و زلیخا که قسمت‌هایی از آن را در پایان تذکره آتشکده آورده است و نسخه خطی یوسف و زلیخا که نزد اعقاب اوست و هنوز به طبع نرسیده است.^(۴)

آذر بیگدلی که نام یا تخلص خود او آذر (به معنای آتش) است، نام «آتشکده» را برای کتاب تذکره خود برگزیده و سخنوران را به شعله‌های فروزان تشبیه کرده است و نیز نام ابواب و فصول کتاب را هم متناسب با آتش و «آتشکده» و از واژه‌های مربوط به آتش و نور برگزیده است^(۵) بطوری که کتاب «آتشکده» را به دو «مجمره» (= آتشدان) تقسیم کرده است که مجمره اول مربوط به شاعران پیش از زمان مؤلف و مجمره دوم مربوط به شاعران هم‌عصر اوست، وی «مجمره» اول را به چند «شعله» و هر «شعله» را به چند «اخگر» و هر «اخگر» را به چند «شراره» و یک «فروغ» (در بیان حالات و مقالات زنان شاعر هر دیار) تقسیم می‌کند. «مجمره» دوم را به دو «پرتو» منقسم می‌سازد و در مقدمه کتاب خویش درباره محتوای ابواب و فصول می‌نویسد:

«این تذکره مشتمل است بر دو مجمره: «مجمره اولی» در ذکر اطوار و اشعار فصیحی متقدمین است مشتمل بر یک «شعله»، در ذکر احوال و اشعار شاهان و شهزادگان هر دیار و امرای عالی‌مقدار از ترک و غیره که فی الحقیقه منسوب به ولایتی نیستند و سه «اخگر» در ذکر شعرای ایران و توران و هندوستان، و هر اخگری به چند «شراره» که اسم ولایت اقتضا کند، تفصیل یافته و در تحت هر «شراره»، اسامی بلاد آن ولایت نگاشته خواهد شد و یک «فروغ» در بیان حالات و مقالات زنان عفت توأمان هر دیار.

«مجمره دوم» در بیان حالات و خیالات شعرای معاصرین و آن مشتمل است بر دو «پرتو».

«پرتو اول» در افکار یاران معاصر و «پرتو دوم» که خاتمه کتاب است به خیالات خام خود مختوم کردم که شاید از دم گرم یاران صورت پختگی بهم رساند...»^(۶) تذکره آتشکده آذربیدلی سه بار به صورت چاپ سنگی، یک بار چاپ خوشنویسی و یک بار به صورت سربی به چاپ رسیده است.

چاپ‌های مختلف آن عبارتند از:^(۷)

- ۱- چاپ بمبئی در ۱۲۷۷. ق. [این چاپ اخیراً به طریق افسست در تهران تجدید چاپ شده است]
- ۲- چاپ بمبئی در ۱۲۹۹. ق.
- ۳- چاپ هند در ۱۲۴۹. ق.
- ۴- چاپ عکسی از نسخه‌ی دست‌نویس با مقدمه استاد دکتر شهیدی در ۱۳۳۷. ش. در تهران.

۵- چاپ نیمه اول با حواشی شادروان استاد دکتر سادات ناصری در طی سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰ شمسی (در سه جلد).

چاپ‌هایی که در هندوستان از تذکره آتشکده انجام پذیرفته خالی از اغلاط و اشتباه نیست.

شادروان استاد دکتر سادات ناصری در متجاوز از چهل سال پیش به تصحیح و تحشیه و طبع آتشکده همت گماشت و حواشی مبسوط او حجم تذکره را دوچندان کرده طوری که برخلاف چاپ‌های پیشین که همگی در یک جلد فراهم آمده بود در طبع مصحح مرحوم سادات ناصری نیمی از کتاب در سه جلد چاپ شد و چاپ نیمه دوم معوق ماند.

نگارنده که با آن استاد، سالها ارادت و انسی خاص داشتم و کتاب «هزار سال تفسیر فارسی» را به اتفاق تألیف کردیم، در اواخر زندگانی از او شنیدم که قصد اتمام کار طبع نیمه باقی مانده را داشت و چون در آن زمان (ده سال پیش) از طبع سه جلد منتشره، حدود سی سال می‌گذشت مایل بود، دوره کامل کتاب (نیمه سه جلدی اول و نیمه دوم) یکجا در چند مجلد به طبع رسد که عمرش وفا نکرد و با درگذشت آن استاد سخت کوش، اتمام کار تذکره آتشکده و آثار دیگرش همچون دیوان صائب (که بر ده جلد بالغ می‌شود) متوقف و معوق ماند.

قریب ده سال پس از درگذشت مرحوم دکتر سادات ناصری، نیمه دوم آتشکده آذر به همت آقای میرهاشم محدث تصحیح و با فهارس و تعلیقات به طبع رسیده است و مایه مسرت است که کتابی ارزشمند که چاپ منتقح آن ناقص مانده بود به کوشش ایشان سمت‌کمال یافته است.

اتمام کارهای علمی و تألیفات ناقص مانده اهل فضیلت، سنتی ستیه است که از روزگاران گذشته در کشور دانش پرور و دانشور پرور ما معمول و مرسوم بوده است.

تصحیح و طبع نیمه دوم آتشکده آذر بیگدلی نیز خدمتی در تکمیل طبع کتابی است که ناقص ماندنش شایسته و روا نبود. آقای میرهاشم محدث از محققان معاصر، در ادامه و تکمیل کار مرحوم دکتر سادات ناصری نیمه دوم آتشکده را تصحیح و تحشیه کرده‌اند که اخیراً از طرف مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر منتشر شده است.

چاپ این نیمه، نقص چهل ساله نیمه اول کتاب را به کمال مبدل کرد، علی‌الخصوص که کتاب آتشکده آذر برخلاف بعضی متون کهن که چند بار تصحیح و طبع شده است فقط یک بار تصحیح و تحشیه یافته بود و چاپ‌های سنگی و دست‌نوشته‌ی پیشین از خطاها و اشتباهات خالی نبود و از طرف دیگر خواندن کتاب‌هایی که از روی دست‌نوشته‌ها عکسبرداری و فیلمبرداری می‌شود اگر نگوئیم برای همه اهل مطالعه، دست کم برای جوانان و کسانی که به خواندن کتب چاپ سربی چشمشان عادت کرده است و حتی کتب چاپ سربی را از

خط خوشنویسان معاصر نیز بهتر می‌خوانند دشوار است. در واقع چاپ منتقح مرحوم دکتر سادات ناصری تنها چاپ مورد مراجعه آتشکده آذر است که آن هم به سبب ناقص ماندن، فیض تام نداشت.

حواشی مصحح محترم نیمه دوم در حد حواشی مبسوط و ممتع نیمه اول نیست و مرحوم دکتر سادات ناصری که در مقابله نسخ و نوشتن حواشی این کتاب همت و کوششی فراوان مبذول داشته بود، زحماتش این کتاب را به صورت یکی از تصحیح‌ها و تحشیه‌نویسی‌های نمونه درآورده بود که نقایص و اشتباهات متن اصلی را جبران و مطالب را تکمیل می‌کرد و جلوه تازه‌ای به این کتاب می‌بخشید.

در طبع نیمه دوم «آتشکده آذر» با آنکه مانند نیمه اول، حواشی مبسوط نیست اما از مزیتی مشابه آن برخوردار است و آن تهیه فهرست‌های نیمه اول و نیمه دوم در متجاوز از ۲۵۰ صفحه است که این فهرست‌ها برای کتابی پر حجم چون آتشکده، راهگشای بسیار سودمندی برای پژوهندگان است که به نام شاعران و چاپها و کتابها و اشعار (بوسیله کشف الایات آن) به آسانی دست یابند.

با آنکه اهتمام در اتمام طبع تذکره آتشکده موجب ابراز خوشوقتی است اما این نکته که متضمن پیشنهادی نیز هست قابل ذکر است که فاصله چهل ساله مابین طبع نیمه اول تذکره با نیمه دوم موجب شده است که نسل امروزین حتی از رویت نیمه اول محروم باشند و قسمت اول این کتاب را احیاناً در کتابخانه‌های عمومی (به ندرت) دیده باشند از این رو بجاست که این تذکره ارزشمند که به هر حال از تذکره‌های مشهور و از منابع و مأخذ شناخت شاعران و سرایندهگان است به طور کامل به چاپ برسد.

نکته پیشنهادی دیگر که براساس مقدمه شادروان استاد علی‌اصغر حکمت بر جلد دوم آتشکده مصحح مرحوم دکتر سادات ناصری به نظر رسید، تکمیل این کتاب تذکره با تدوین شاعران دوران پس از زمان آذربیدلی یعنی شاعران سده‌های سیزدهم و چهاردهم هجری است که پس از فوت آذربیدلی به عالم ادب گام نهاده‌اند.

این تکمله خود به همان شیوه و رسم مستحسن و نیکویی خواهد بود که در همین مقالت بدان اشاره کردیم. شادروان استاد حکمت در مقدمه خود پیشنهاد کرده است^(۸) که تألیفی دیگر در تکمیل آتشکده آذر گردآید که نام و شعر شاعرانی که در دوران پس از آذر به ظهور رسیده‌اند یعنی شاعران دویست و اندی سال اخیر افزوده شود.

دو نظریه از آذربیدلی

از آذربیدلی دو اظهار نظر او در بین اهل ادب موجب سخن‌ها شده و موافقان و مخالفانی را در باب نظریات خود برانگیخته است.

نکته اول آنکه آذر بیگدلی پرچمدار مخالفان

سبک‌های هندی (و به قول طرفداران سبک هندی سبک‌های اصفهانی) است. آذر شاعران این سبک و حتی صائب تبریزی شاعر بزرگ را که مشهورترین شاعران این شیوه و طرز است مورد طعن خود قرار داده است.

شادروان امیری فیروزکوهی که درفش فروافتاده سبک هندی را برافراشت، منشاء بی‌مهری و بی‌توجهی تذکره‌نویسان سده‌های اخیر به سبک هندی را گفته‌های آذریبگدلی در تذکره آتشکده می‌داند. اعتقاد مرحوم امیری ضمن آنکه از نظر وی در حقیقت تقلیدی بدون تأمل و تفکر از جانب تذکره‌نویسان و محققان ادبی از نوشته آذریبگدلی است از جانب دیگر متضمن این معنا است که نظریه آذریبگدلی مورد اهمیت و توجه منتقدان ادبی قرار گرفته است که سخن و عقیده او را تکرار کرده و مشرب خود را از آبشخور او اقتباس کرده‌اند. استاد امیری فیروزکوهی می‌نویسد: «سالها بود که ابرهای تیره اغراض از طرفی و پرده‌های ضخیم بی‌خبری از طرف دیگر آفتاب حقیقت «صائب» و روشنی افکار او را چندان از نظر مردم پوشیده و مستور داشته بود... این پرده‌پوشی و در واقع بی‌انصافی و غرض‌ورزی از زمان حکومت زندیه به دست معدودی از شعراء آن عصر مانند آذر و مشتاق و هاتف و امثالهم به‌وجود آمد و بالاخص نوشته و حکومت جاهلانه یا مغرضانه مرحوم آذر بیگدلی در تذکره مشهور و معروف او موسوم به «آتشکده» درباره صائب موجب شد که نه تنها نام وی در عداد شعراء مهم‌سرا و بی‌ارزش معدود و موصوف گردد، بلکه نیمی از پیکر شعر و ادب این کشور نیز در زیر توده‌های انبوه و سنگین بی‌خبری و فراموشی پنهان و مستتر بماند.»^(۹)

آذر بیگدلی در تذکره آتشکده درباره صائب می‌نویسد: «صائب اصلش از آن دیار [آذربایجان]، اسمش میرزا محمدعلی، اجداد او را نواب شاه‌عباس کوچانیده و در محله عباس آباد اصفهان سکنی دارد. غرض وی در اصفهان متولد و هم در آنجا نشو و نما و

کسب کمالات صوری و معنوی کرده، گویند صاحب اخلاق حسنه بود و سفر هند نیز کرده، به زودی معاودت نموده و در اصفهان محترم بود و از شاه عباس و شاه‌سلیمان نوازشات یافته و آغاز سخن‌گستری ایشان، طرق خیالات متینة فصحای متقدمین مسدود و قواعد مسلمة استادان سابق مفقود، و مراتب سخنوری بعد از جناب میرزای مشارالیه که مُبدع طریقه جدیدة ناپسندیده بود هر روزه در تنزل...»^(۱۰)

به نظر مرحوم امیری فیروزکوهی، این اظهارنظر آذریبگدلی موجب عدم توجه اهل ادب به صائب و سبک هندی شده است. امیری می‌گوید: «... تذکره‌نویسانی که بعد از آذر به وجود آمده و دست بدین کار زده‌اند، اصلاً شعراء و عصرصفوی و طبقه صائب را مورد تحقیق و مطالعه قرار نداده و هرگاه ذکری از آنان کرده‌اند، پیداست که تنها مرجع نقل و استادشان همان تذکره آذر و اعتقاد و نظر او بوده است و بس.»^(۱۱) نکته دوم آنکه آذریبگدلی برخلاف قول اجماعی اهل ادب که بزرگترین شاعران ایران را، فردوسی و سعدی و مولوی و حافظ می‌شمارند؛ وی فردوسی و انوری و نظامی و سعدی را بزرگترین شاعران می‌پندارد و نام مولوی و حافظ را در این عداد نمی‌آورد. وی در ضمن شرح احوال افسح المتکلمین سعدی می‌نویسد: «... به زعم فقیر از زمان ظهور کلام موزون فارسی، کسی نیامده که از فردوسی طوسی و نظامی قمی و انوری ابیوردی و این شیخ بزرگوار [سعدی] منصب اوستادی تواند گرفت.»^(۱۲)

در حالی که تا قبل از قرن هشتم هجری و ظهور حافظ، قولی که جملگی بر آن بوده‌اند آن بوده است که سه شاعر بزرگ، پیامبران سخن‌اند و جامی شاعر بزرگ قرن نهم که او را خاتم الشعراء لقب داده‌اند و شاید این لقب از جانب کسانی چون آذریبگدلی به او اطلاق شده‌است^(۱۳) که سبک هندی را ستیخ شمرده‌اند، پس از آنکه شعر مشهور درباره پیامبران سخن را نقل می‌کند، بلافاصله از حافظ نیز نام می‌برد. او در «بهارستان» خود می‌نویسد:

«یکی از شعرا گفته‌اند والحق گوهر انصاف سفته:

در شعر سه تن پیمبرانند

هرچند که لائبی بعدی

اوصاف و قصیده و غزل را

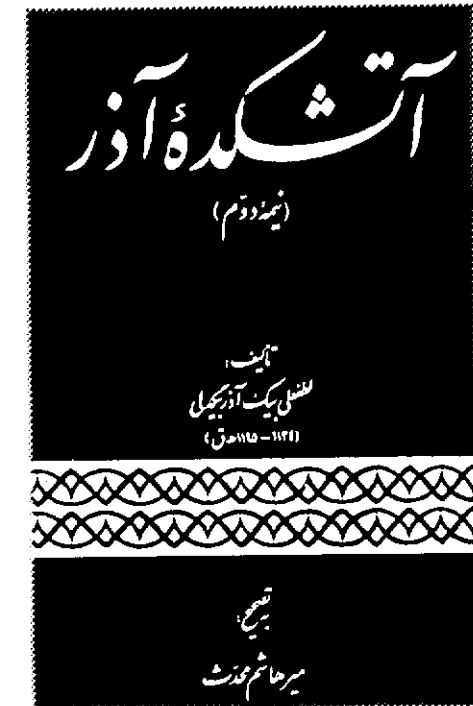
فردوسی و انوری و سعدی

قدوة الشعراء خواجه حافظ شیرازی - رحمة الله - اکثر

اشعار وی لطیف و مطبوع است و بعضی قریب به سرحد اعجاز...»^(۱۴)

می‌بینیم جامی شاعر بزرگ نیز همانند دیگر بزرگان، حافظ را بر آن سه تن می‌افزاید اما آذر بیگدلی، نظامی را بر سه تن مذکور افزوده و مولوی و حافظ را یاد نکرده است.

وی در مثنوی یوسف و زلیخای خود نیز همان چهارتن را که در تذکره آتشکده بزرگترین شاعران



ایران خوانده است یاد می‌کند:
جهان نظم را سلطان، چهارند
که هریک باغ دانش را بهارند
یکی فردوسی آن کز خاک طوس است
از روی سخن، روی عروس است
وزان پس انوری کو سر برآورد
چو آب روشن از خاک ابیورد
دگر سعدی که تا دم زد ز شیراز
رسد شیرازیان را بر جهان، ناز
دگر سرو ریاض قم، نظامی
که شد ملک سخن را او تمامی
ز خاک تفرش است آن گوهر پاک
ولی در گنجه چون گنج است در خاک
ز حق رحمت به روح پاکشان باد
گل فردوس زیب خاکشان باد^(۱۵)

حواشی

۱- کتاب شدالآزار که تألیف معین‌الدین ابوالقاسم جنید شیرازی است و در حدود ۷۹۱ ه. ق. تألیف شده است توسط پسر مؤلف به فارسی ترجمه شده که به نام هزار مزار مشهور است.

۲- رک: فرهنگ سخنوران، تألیف دکتر خیام‌پور جلد ۱ و ۲، انتشارات طایفه، ۱۳۶۸. ش

۳- برای اطلاع از شرح احوال آذریبگدلی رجوع کنید به دیوان لطف‌علی بیگ آذریبگدلی به کوشش دکتر سادات ناصری، پروفیسور غلامحسین بیگدلی، انتشارات جاویدان ۱۳۶۶. ش

۴- رک: همان

۵- شایان ذکر است که آذریبگدلی از فرط علایقی که به نامهای انتخابی خود برای ابواب و فصول تذکره آتشکده داشته است، نام فرزند خود را «اخگر» و نام نوه خود را «شیر» نهاده است. (رک: دیوان آذریبگدلی، صفحه شش).

۶- تذکره آتشکده آذر با تصحیح و تحشیه و تعلیق حسن سادات ناصری جلد اول ص ۱۷.

۷- رک: همان، ص ۱۰.

۸- رک: آتشکده آذر به کوشش دکتر سادات ناصری، جلد دوم صفحه هشت.

۹- کلیات صائب تبریزی، انتشارات خیام، مقدمه استاد امیری فیروزکوهی.

۱۰- آتشکده آذر، به کوشش دکتر سادات ناصری جلد ۲، ص ۱۲۰-۱۲۳.

۱۱- کلیات صائب، مقدمه امیری فیروزکوهی.

۱۲- آتشکده آذر، نیمه دوم، ص ۱۴۱.

۱۳- آذریبگدلی در بیته، شیفتگی خود را نسبت به جامی این چنین گفته است:

اگرچه مستیم از جام جامی است

ولی گوشم بر آواز نظامی است
(آتشکده آذر، نیمه دوم ص ۷۹۶)

۱۴- بهارستان جامی، به تصحیح دکتر اسماعیل حاکمی ص ۱۰۵.

۱۵- مثنوی یوسف و زلیخا، نسخه خطی، نقل از مقدمه استاد مدرس رضوی بر جلد دوم دیوان انوری ص ۱۱۸، بنگاه ترجمه و نشر کتاب + آتشکده آذر نیمه دوم ص ۷۹۶.